

گفت و گو با

فاطمه راکعی

شاعر و نماینده مجلس:



دکتر فاطمه راکعی نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی است. او علاوه بر حضور در عرصه سیاست، فعالیت قابل ملاحظه‌ای نیز در زمینه شعر دارد. درگیر و دار اشتیاقات روزمره‌اش گفتگویی کوتاه پیرامون ادبیات و سیاست با ایشان ترتیب داده‌ایم.

منتقدان و شاعران از شعر ارائه داده‌اند، بیشتر ناظر بر فرم و صورت و زبان و شگردهای هنری بوده، تا بر محتوا و پیام. لذا اثری که بتوان به لحاظ شاخص‌های گفته شده آن را شعر نامید، شعر است، هر محتوا و

آیا اساساً مقوله‌ای با عنوان ادبیات سیاسی وجود دارد؟
به تناسب حوزه کار هنری‌ام به طور خاص در مورد شعر صحبت می‌کنم. از دیرباز تعاریفی که

شاعری که نمی‌تواند از مردمی که دوستشان دارد، غافل باشد

شعر طاهره صفرازاده، قیصر امین پور، محمدرضا عبدالملکیان، سلمان هراتی و دهها شاعر دیگر امروز نگاه کنید. آنها که سعی دارند اثبات کنند که شعر سیاسی چون به زمان و مکانی خاص تعلق دارد پس شعر نیست، تعریفی محتوایی از شعر ارائه می‌دهند، که غیر اصولی است و یا فرق بین شعر یا شاعر را نمی‌دانند و ضمناً منظورشان از شعر سیاسی صرفاً شعارهای سیاسی است، که قطعاً ما هم آنها را شعر نمی‌دانیم. آیا شما شاعری سیاستمدار هستید یا سیاستمداری شاعر؟

فکر می‌کنم اگر این عنوان مرسوم صدق کند، شاعر سیاست مدار باشم دوست دارم بگویم شاعری هستم که نمی‌تواند از اجتماع و سرنوشت جمعی مردمی که دوستشان دارد، غافل باشد.

تأثیرهای ادبیات بر فعالیت سیاسی و یا برعکس تأثیرهای فعالیت شما بر بعد ادبی تان چیست؟

شعر و سیاست دو بعد بسیار مهم از زندگی من هستند که سخت درهم تنیده‌اند و می‌توانم بگویم مکمل هم هستند. این طور نیست که به عنوان دو چیز مجزا بخواهم تأثیرهایی که شعر بر فعالیت سیاسی‌ام می‌گذارد و یا برعکس توضیح بدهم.

و لطفاً ما را به شعری میهمان کنید:

شعر من، انعکاس منی تو

ساده، بی ادعا، بی محابا

مثل فریاد مردم رسا باش!

...
باغ آینه ماوی من شد

تا برویم، بیاییم، بمانیم

گفت و گو: شهاب نادری مقدم

پایمی که داشته باشد. از نظر من اثری است که در نهایت ایجاز و فشردگی بیشترین حرف را به تأثیر گزارترین نحو زده باشد. چنین اثری می‌تواند هر محتوایی داشته باشد. در توصیف طبیعت باشد قطعه‌ای عاشقانه، عارفانه یا اجتماعی سیاسی باشد. فرقی نمی‌کند یک شعر با محتوای صرفاً سیاسی می‌تواند اگر در قالب تعریف بالا بگنجد شعر باشد، در حالی که یک شعر عاشقانه اگر در آن تعریف نگنجد، شعر نیست.

اما در مورد سؤال شما باید گفت: بله، ادبیات سیاسی و شعر سیاسی وجود دارد و ما نه تنها در آثار معاصرین، شعر سیاسی داریم، بلکه از دیرباز شعر سیاسی داشته‌ایم. حتی در دیوان حافظ از نظر من شعر سیاسی وجود دارد و بسیاری موارد دیگر در آثار برجسته کلاسیک فارسی، که سراینده‌گانش گر چه داعیه سیاسی بودن نداشته‌اند ولی از آنجا که به عنوان انسانهای اندیشمند و فرزانه عصر خود، نمی‌توانستند فارغ از مسائل اجتماعی باشند، در آثارشان شعر سیاسی یافت می‌شود. در شعر معاصر - پس از مشروطیت - نیز به طور خاص شعر سیاسی داشته‌ایم. منظورم قطعاً شعار سیاسی نیست، بلکه دقیقاً از شعر سیاسی صحبت می‌کنم. گمان نمی‌کنم کسی در شعری که دقیقاً با مضامین سیاسی سروده شده تردید داشته باشد، و یک شاخه از سیاهی جنگل به سوی نور فریاد می‌کشد: «سلامت را نمی‌خواهند پاسخ گفت: سرها در گریبان است».

در ادبیات انقلاب اسلامی هم شعرهای زیادی با مضامین اجتماعی - سیاسی وجود دارد که هیچ منتقد و صاحب نظر فرهیخته و یا وجدانی نمی‌تواند شعریت آنها را انکار کند. برای نمونه می‌توانید به مجموعه‌های

فرخی: آفریننده ادبیات خشونت و مقاومت

آن زمان که بنهادم سر به پای آزادی دست خود ز جان شستم از برای آزادی*



* دیوان فرخی بزدی صفحه ۱۷۷

- ۱- این غزل‌ها مضمون سیاسی ندارد، چکامه درسردی هوا ص ۱۴۰ و غزل شماره ۱۳۸، ۱۳۷، ۱۳۶، ۱۳۵، ۱۳۴، ۱۳۳، ۱۳۲، ۱۳۱، ۱۳۰، ۱۲۹، ۱۲۸، ۱۲۷، ۱۲۶، ۱۲۵، ۱۲۴، ۱۲۳، ۱۲۲، ۱۲۱، ۱۲۰، ۱۱۹، ۱۱۸، ۱۱۷، ۱۱۶، ۱۱۵، ۱۱۴، ۱۱۳، ۱۱۲، ۱۱۱، ۱۱۰، ۱۰۹، ۱۰۸، ۱۰۷، ۱۰۶، ۱۰۵، ۱۰۴، ۱۰۳، ۱۰۲، ۱۰۱، ۱۰۰، ۹۹، ۹۸، ۹۷، ۹۶، ۹۵، ۹۴، ۹۳، ۹۲، ۹۱، ۹۰، ۸۹، ۸۸، ۸۷، ۸۶، ۸۵، ۸۴، ۸۳، ۸۲، ۸۱، ۸۰، ۷۹، ۷۸، ۷۷، ۷۶، ۷۵، ۷۴، ۷۳، ۷۲، ۷۱، ۷۰، ۶۹، ۶۸، ۶۷، ۶۶، ۶۵، ۶۴، ۶۳، ۶۲، ۶۱، ۶۰، ۵۹، ۵۸، ۵۷، ۵۶، ۵۵، ۵۴، ۵۳، ۵۲، ۵۱، ۵۰، ۴۹، ۴۸، ۴۷، ۴۶، ۴۵، ۴۴، ۴۳، ۴۲، ۴۱، ۴۰، ۳۹، ۳۸، ۳۷، ۳۶، ۳۵، ۳۴، ۳۳، ۳۲، ۳۱، ۳۰، ۲۹، ۲۸، ۲۷، ۲۶، ۲۵، ۲۴، ۲۳، ۲۲، ۲۱، ۲۰، ۱۹، ۱۸، ۱۷، ۱۶، ۱۵، ۱۴، ۱۳، ۱۲، ۱۱، ۱۰، ۹، ۸، ۷، ۶، ۵، ۴، ۳، ۲، ۱.
- ۲- این سه شعر مضمون سیاسی ندارد، مسقط ص ۱۲۴، مسقط ذوقانین ص ۱۵۱، مسقط بهاره ص ۱۵۳.
- ۳- دیوان فرخی، غزلیات و قصاید و قطعات و رباعیات تا تصحیح مقدمه در شرح احوال شاعر، حسین مکی، ج ۵، تهران، علمی، ۱۳۳۱، ص ۱۶۷-۲۲۰. تمام شواهد از این چاپ است.
- ۴- ذبیح‌الله صفا، تاریخ ادبیات در ایران، تهران، ابن سینا، ۱۳۲۷، ج ۲، ص ۲۸۲.
- ۵- مجله یادگار، س ۵، ش ۶ و ۷، ص ۹۲-۱۰۱.
- ۶- احمد گلچین معانی، تاریخ تذکرات فارسی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۲۸، ج ۱، ص ۴۹.
- ۷- پبسی آرین پور، از صبا تا نیما (تاریخ ۱۵۰ ساله ادب فارسی)، ج ۲، تهران، جیبی، فراتکلین، ۱۳۵۳، ج ۲، ص ۷۷.
- ۸- از صبا تا نیما، ج ۲، ص ۶۲.
- ۹- از صبا تا نیما، ج ۲، ص ۳۶۲.
- ۱۰- دیوان فرخی (مقدمه).
- ۱۱- علی رضا قلی، جامعه‌شناسی نخبه‌کشی (قائم مقام، امیرکبیر، مصدق)، ج ۵، تهران، نشر نی، ۱۳۷۷، و محمود سنایش، کشتار نویسندگان در ایران از صوراسرافیل تا بوینده و مختاری، تهران، البرز، ۱۳۷۸، از ص ۳۳۱ تا ۵۲.
- ۱۲- در تاریخ ۱۳۱۷/۱۳۱۸ به اتهام اسانه ادب به پندگان اهلحضرت همایون شاهنشاهی به ۳ سال حبس ناآدمی محکوم می‌شود، ص ۲۷ دیوان فرخی.
- ۱۳- حسین انوشه، فرهنگنامه ادبی فارسی (دانشنامه ادب فارسی)، ج ۲، تهران، سازمان چاپ و انتشارات، ۱۳۷۶، ص ۶۲۲-۶۲۳.

می‌رساند.

در زمانه بی‌سوادی و جهالت که تیراژ ۱۵۰ نسخه‌ای «طوفان» به فروش نمی‌رسید، فرخی راه‌های گوناگونی را تجربه کرد، او مناسب‌ترین راه انتقال پیام خود را در شعر و انتخاب قالبی ساده و فشرده یافت که مخاطبان سریع‌تر مضمون و محتوای پیام او را درک کنند. چهارچوب فشرده قالب رباعی چوایکوی چنین نیازی بود. در طول تاریخ شعر ایران نیز همیشه این قالب مورد توجه اندیشه‌مندان و شاعران بزرگ ایران و همچنین مورد پذیرش مخاطبان هر لایه اجتماعی بوده است. گزیده‌گویی و ساده‌گویی سبب شده است که همه شاعران بزرگ با استفاده از این قالب، شعری بسرایند.

سبک رباعی را از دیدگاه زبان، محیط و ساختار ادبی نمی‌توان شناخت و از دیدگاه اندیشگی هدف و دوره طبقه‌بندی می‌شود.

رباعی عاشقانه (غنائی) خاص سده‌های ۴ تا ۶ هجری قمری است و سروده شاعرانی چون رودکی، فرخی، عنصری و مهستی، رباعی فلیبی را خیم سروده و بهترین رباعیات عارفانه (صوفیانه) سروده ابوسعید ابی‌الخیر، خواجه عبدالله انصاری، عطار و مولوی است. در طول سده‌ها و با وجود سرودن رباعی توسط شاعران مختلف سبک تازه‌ای در رباعی سرایی به وجود نیامد اما در دوره مشروطه، به سبب دگرگونی جهان‌نگری و هدف شاعر، مضامین تازه‌ای در قالب رباعی جا گرفت و رباعی سیاسی به این طبقه بندی افزوده شد.

فرخی در این قالب تنگ چنان مضامین سیاسی و مبارزه گسترده خود را گنجانده و با زبانی ساده در موجزترین نوع شعری، صریح‌ترین انتقاد سیاسی و بیدارکننده‌ترین پیام را عنوان کرد که از نظر کمیت و کیفیت این چنین اشعاری او را شاعر رباعیات سیاسی می‌توان خواند. زیرا از تعداد ۲۷۶ رباعی سروده شده توسط او، ۲۴۴ رباعی مضمون سیاسی دارد. فریاد آزادیخواهی فرخی در قالب تنگ رباعی و لیان دوخته‌ای او زندانی نشد و فضای خفقان‌آلود دوره رضاشاهی را رسوا کرد.

پادداشت‌ها:

جدول طبقه‌بندی مضامین رباعیات فرخی	
سیاسی	۲۴۴
اخلاقی (عدالت - برابری - دوستی - حرف حق)	۵۹
وصف	۳۸
غم	۲۰
کار و کارگر	۵
فقر	۵
سعی و عمل	۵
مجموع	۳۷۶

اشعار او از مجموع ۱۸۷ غزل، فقط ۹ غزل مضمون سیاسی و انقلابی ندارد!

از مجموع ۲۵ شعر متفرقه در قالب های مسقط، ترکیب بند و قطعه تنها ۳ شعر را با مضمون طبیعت سروده است. و از مجموع ۲۷۶ رباعی فقط ۱۳۲ رباعی در غیر مضمون سیاسی است.

به استناد این آمار فرخی انقلابی‌ترین شاعر ادبیات خشونت و مبارزه بود. در زمانه جهالت‌ها و بیدادگری‌ها، جرم آگاهی و بیداری و اتهام انقلابی، سنگین است و کفتری سخت دارد.

مسعود سعد سلمان سالها در زندان بسر برد. هجری تفرشی توسط رضاقلی میرزا پسر نادر شاه به طرزی شنیع شکنجه شد.

به دستور سلیمان خان قاجار زبان اختر گرجی بریده شد.

و میرزا جهانگیرخان شیرازی (صور اسرافیل) به دار آویخته شد. سید اشرف‌الدین حسینی کیلانی، شاعر مردم، مجنون معرفی شد و در بیمارستان زندگیش به آخر رسید. عشقی در خانه‌اش ترور شد. دهان فرخی بزدی دوخته شد و در بیمارستان زندان به قتل رسید. و... و...

در طول تاریخ و تاریخ ادبیات ایران به علل بسیار از جمله وجود نظام‌های غیر دموکراسی شواهد گوناگونی از این دست موجود است که نمونه‌های دیگر آن را در دو کتاب: «جامه‌شناسی نخچه‌کشی و کشتار نویسندگان در ایران» می‌توان یافت.

فرخی شخصیتی ناآرام و بیقرار داشت و چون «طوفان» طوفانی بود. در جامعه تابه‌نچاری که او می‌زیست، محرک‌های نفرت‌آوری وجود داشت که باعث انگیزش شدید هیجانی در او می‌شد و پناه و مأمنی جز کاغذ و قلم او را به آرامشی دل‌خواسته نمی‌رساند، اگر چه بارها در ظاهر به جرمی دیگر "و در اصل به گناه آگاه کردن دیگران زندانی شد اما او رهرو راهی بود که پروایی نداشت. به نوشته خود او «فریادهای من در مجلس گاه چرت نمایندگان را پاره می‌کرد» و شعرهایش چرت شاعران خواب‌آلود را...

یکی از ویژگی‌های ادبیات مشروطه صراحت، سادگی کلام و نزدیک بودن به زبان عامه به منظور درک بیشتر است. در اشعار فرخی مفاهیم مهجور، مبهم، شکفت و شیوه بیان غیر مرسوم وجود ندارد و به ندرت از عناصر زینباشناختی شعر استعاره، کنایه، ایهام، تشبیه و به طور کلی آرایه‌های ادبی در لحن هیجانی خود استفاده کرده است.

اشعار فرخی، خطابی، زبانی، سنی و مفاهیم، عینی است و خشونت در پیام و در کل ساختار شعری وجود دارد. در شعر فرخی موضوع از اهمیت خاصی برخوردار است و با بیان مستقیم واقعیت، اعتقاد سیاسی شاعر آشکار شده است.

فرخی به سبب دلبستگی به حرفه روزنامه‌نگاری و خصیصه زنده بودن و تازگی مسائل مربوط به آن، پیام خود را صریح، عامه فهم و یا موجزترین کلام به مخاطب

در تاریخ تحولات اجتماعی، دوره مشروطه از نظر سیاسی، اجتماعی و ادبی دوره‌ای پویا و بارور بود و شعرهایی که بازتاب دینامیسم اجتماعی این دوره‌اند از ویژگی واقع‌گرایی برخوردار و خصیصه سازندگی را در نهاد خود دارند. ضرورت مبارزه علیه روابط تاهنجار سیاسی و اجتماعی، شاعران آگاهی چون عارف، اشرف‌الدین کیلانی، فرخی، پروین، عشقی، بهار و لاهوتی را به واکنشی خوانند تا رسالت شاعری را با شعر مبارزه و پایداری به انجام رسانند. دینامیسم اجتماعی این دوره شرایطی را به وجود آورد که فرخی ادبیات نوایی مبارزه و مقاومت را دنبال کند و جان بر سر این هدف نهد.

عاشق آزادی، وجدان بیدار جامعه‌ای بود که زیستن و آزادی، انسان را به مبارزه می‌طلبد، در نظر او ادبیات جز مبارزه برای آزادی چه می‌توانست باشد؟

وقتی می‌سرود:
آزادی اگر می‌طلبی غرقه به خون باش
کاین گلین توخاسته بی‌خار و خسی نیست
دیوان فرخی، ص ۶۹

آرمان فرخی آزادی و سنج و یا ناپسامانی و ستمگری و وسیله مبارزه او نوشتن بود. او از طریق مبارزه موجودیت خویش را توجیه می‌کرد و قلمش جز برای آزادی و احقاق حقوق استثمار شده‌ها نمی‌چرخید.

هر خامه نگفت ناکسان را توصیف
هر نامه نکرد خائنان را تعریف
آن خامه ز پافشاری ظلم شکست
آن نامه به دست ظالمین شد توقیف
دیوان فرخی، ص ۱۷

او آفریننده ادبیات خشونت و مقاومت بود و صریح‌ترین انتقاد سیاسی را در قالب شعر ریخت و خود را «لسان‌المه» نامید.

فرخی کاین ابیات سروده است خشن
عذر خواه است صمیمانه ز ایناه وطن
هر کرا دوخته شد در ره مشروطه دهن
بر بدبختی است نگوید بجز از راست سخن
دیوان فرخی، ص ۱۴۵

مضامین اشعارش سیاسی، انقلابی، مبارزه‌جویانه و عدالت‌خواهانه بود و از نظر کمیت و کیفیت چنین اشعاری در میان شاعران هم‌زمانش متمایز است. در ارزیابی دیوان